

پیشگامان نوسازی آسیا - ۲

سنگاپور: معماران مدرن

دیان موزی، آر.اس. میلن

ترجمہ داود حیدری

۷	درباره مجموعه پیشگامان نوسازی آسیا
۱۳	مقدمه
۱۷	فصل ۱ / چگونگی استقلال سنگاپور
۳۱	فصل ۲ / کانون‌های قدرت
۴۵	فصل ۳ / ساختار و عملکرد حزب اقدام خلق
۶۷	فصل ۴ / کوان‌یو و ایدئولوژی حزب
۸۷	فصل ۵ / سیاست اقتصادی برای سنگاپور مستقل
۱۱۵	فصل ۶ / عرضه خدمات اجتماعی به مردم
۱۲۹	فصل ۷ / چالش قومیت‌ها

فصل ۱ چگونگی استقلال سنگاپور

از نگاه غربی‌ها، سنگاپور در سال ۱۸۱۹ میلادی کشف شد. البته دیگران بعدها دریافتند که این کشور سابقه‌ای دیرینه‌تر داشته و دارای جمعیتی، هرچند اندک بوده است. این بخش روایت ماجرای سنگاپور بعد از جنگ جهانی دوم است و اینکه چگونه پس از اشغالش توسط ژاپن به استقلال رسید و گروه برجسته‌ای از افراد - لی کوان یو و همکارانش در حزب اقدام خلق - در آن به حکومت رسیدند و توانستند سنگاپور را از کشوری جهان سومی به داشتن جایگاهی در جهان اول سوق دهند. در دهه دوم قرن نوزدهم سر استمفورد رافلز^۱ از سوی کمپانی هند شرقی بریتانیا^۲ دستور یافت تا بندری را پیدا کند که بتواند تنگه مالاکا^۳ را باز نگاه داشته و منطقه را از یورش سرزمین‌های تحت کنترل هلند در امان نگه دارد. آن سنگاپوری که او در سال ۱۸۱۹ با آن مواجه شد، جمعیت اندکی را در خود جای داده بود. بر پایه نخستین سرشماری (سال ۱۸۲۴) جمعیت این سرزمین تنها یازده هزار نفر بوده است. بزرگ‌ترین گروه ساکنین منطقه را مالایی‌ها تشکیل می‌دادند که به سرعت تحت تاثیر برتری عددی چینی‌ها قرار گرفتند و دیگرانی نیز از مناطق همجوار و عمدتاً از اندونزی امروزی به آنجا مهاجرت کردند. این منطقه نام‌های متعددی به خود گرفته بود که پرکاربردترین آن سینگاپورا^۴ - به معنای شهر شیرها - بود.^۵ رافلز توانست در سال ۱۸۱۹ با بهره‌برداری از مناقشات متوالی در منطقه

1- Sir Stamford Raffles

2- British East India Company (EIC)

3- Straits of Malacca

4- Singapore

5- Raymond Flower, *Raffles: The Story of Singapore*, Beckenham, England: Croom Helm, 1984.

مجاور، موسوم به جوهور^۱، معاهداتی را با مقامات محلی مختلف از جمله سلطان جوهور منعقد کند. این اقدام به او اجازه داد تا کانونی تجاری برای خود ایجاد کند. سلطان به موجب قرارداد دیگری در سال ۱۸۲۴ از جزیره سنگاپور و همه دیگر جزایر در محدوده ده مایلی سواحل خود به نفع کمپانی هند شرقی انگلیس دست کشید. دولت بریتانیا در سال ۱۸۲۶ سنگاپور را به لحاظ ساختار اداری و تحت نام مستعمرات تنگه^۲ به مناطق مالاکا و پنانگ^۳ ملحق ساخت.^۴ تا سال ۱۸۶۰ جمعیت سنگاپور به بیش از صد هزار نفر رسید که از این میان حدود ۵۰ هزار چینی، ۱۳ هزار هندی و ۱۱ هزار نفر مالایی بودند.^۵ همچنین بر شمار اتباع اروپایی نیز افزوده شده بود، هرچند که آنها اقلیتی کوچک محسوب می‌شدند و بیشتر شامل بازرگانان و مدیران بودند. مستعمرات تنگه در سال ۱۸۶۷ به سطح مستعمره سلطنتی^۶ ارتقا یافت تا بریتانیا بتواند با حضور گسترده‌تر در منطقه، از سرمایه‌گذاری‌ها و تجارت خود به‌ویژه در زمینه فلز قلع، حفاظت کند.

سنگاپور بعد از جنگ جهانی اول و به واسطه جایگاه جغرافیایی خود در مجاورت تنگه مالاکا، نه تنها در عرصه تجارت، بلکه به علل امنیتی اهمیت یافت. از همین رو با قدرت گرفتن ژاپن این منطقه مورد توجه این کشور نیز قرار گرفت و نهایتاً در دسامبر ۱۹۴۱ نیروهای ژاپنی در نزدیکی مرز تایلند و مالزی پیاده شدند. سنگاپور بلافاصله تسلیم شد. اشغال سنگاپور توسط ژاپنی‌ها تا سپتامبر ۱۹۴۵ به طول انجامید که در این تاریخ با پیاده شدن نیروهای بریتانیایی در ساحل سنگاپور، ژاپنی‌ها تسلیم شدند. در این برهه اقتصاد سنگاپور تقریباً فروپاشیده بود.

به لحاظ سیاسی، بریتانیایی‌ها مشتاق بودند با ارتقا جایگاه قانون اساسی در سنگاپور، زمینه برگزاری انتخابات برای مجلس قانون‌گذاری را فراهم آورند تا از طریق آن دولت مستعمره سلطنتی سنگاپور تشکیل شود. در سال

1- Johor 2- Straits Settlements 3- Penang
4- N.J. Ryan, *The Making of Modern Malaysia and Singapore*, Kuala Lumpur: Oxford University Press, 1969, p. 112.
5- C.M. Turnbull, *The Straits Settlements, 1826-1867: Indian Presidency to Crown Colony*, London: Athlone Press, 1972. 6- Crown Colony

۱۹۵۳ کمیسیون (موسوم به کمیسیون رندل تحت نظارت سر جرج رندل^۱) تعیین شد تا زمینه را برای اجرای این طرح فراهم آورد. در این نظام، برخی از مناصب از جانب دولت بریتانیا تعیین می‌شدند و از نظارت قانون‌گذار مصون باقی می‌ماندند. همچنین، گرچه نخست‌وزیر می‌توانست به فرماندار منصوب بریتانیا مشورت دهد، ولی الزامی به پذیرش این مشورت‌ها از سوی فرماندار وجود نداشت.^۲

نخستین دوره انتخابات بر پایه قانون اساسی جدید در سال ۱۹۵۵ برگزار شد که در مقایسه با گذشته، طیف گسترده‌تری از احزاب در آن به رقابت پرداختند. علاوه بر حزب ثروتمند و به‌خوبی سازمان‌یافته ترقی، دیگر رقابت‌کنندگان شامل جبهه کارگری^۳ به رهبری دیوید مارشال -حقوقدان عراقی یهودی‌تبار دارای گرایش چپ میانه-، حزب دموکرات^۴ محافظه‌کار و متعلق به اقلیت چینی و در نهایت حزب اقدام خلق تحت رهبری لی کوان یو بودند. جبهه کارگری بیشترین کرسی‌ها را در مجلس کسب کرد و مارشال به نخست‌وزیری رسید. حزب اقدام خلق تنها برای کسب چهار کرسی رقابت می‌کرد که سه کرسی را از این میان به دست آورد. لی و همقطاران او اندیشیدند که از نظر سیاسی تلاش برای تشکیل دولت در این مقطع مناسب نیست، زیرا به گفته لی، «تاریخ نشان داده است کسانی که پیش از استقلال به قدرت رسیدند بعد از استقلال دیگر هرگز نتوانستند به منصبی دست یابند.»^۵ دوره نخست‌وزیری مارشال با شورش‌ها، اعتصابات و تحصن‌های دانشگاهی همراه شد. بریتانیایی‌ها از ناتوانی مارشال در اداره موثر دولت ناخرسند بودند. مارشال در مذاکره با بریتانیایی‌ها در رابطه با انجام اصلاحات در قانون اساسی تاکید کرد که اگر استقلال کامل به سنگاپور اعطا نشود او استعفا خواهد کرد. در نتیجه اعزام هیاتی متشکل از همه احزاب به لندن (آوریل و می ۱۹۵۶) تقریباً همه خواسته‌های مارشال برآورده شد، اما بریتانیا حاضر به دست کشیدن از سلطه خود

1- Sir George Rendel
2- R.S. Milne and Diane K. Mauzy, *Singapore: The Legacy of Lee Kuan Yew*, Boulder: Westview, 1990, p. 47. 3- Labour Front 4- Democratic Party
5- Dennis Bloodworth, *The Tiger and the Trojan Horse*, Singapore: Times Books International, 1986, p. 76.